



بررسی مؤلفه‌های تمدنی در سوره‌های بقره، آل عمران و یوسف

عبدالصمد سعادت زاده^۱ و عبدالحمید حمیدی^۲

چکیده

تمدن به معنای شهرنشینی، مرحله‌ای از تکامل فرهنگی یک جامعه است. به تعبیر دیگر کمال هر فرهنگی تمدن است. تمدن در اصطلاح یعنی مجموعه‌ای از مؤلفه‌های فکری، ارزشی، اعتقادی و هنری برگرفته از آیین و فرهنگ که براساس این آیین، و تلاش برای رفع نیازهای انسان تجلی یافته است. در قرآن کریم در سوره‌های بقره، آل عمران و یوسف بر مؤلفه‌های ایجاد و شکل‌گیری و پیشرفت آن، که اصولاً در بحث هدایت انسان ذکر شده، تأکید فراوانی شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که آیا در قرآن، به خصوص در سوره‌های مذکور، بر مؤلفه‌های پویایی و پیشرفت تمدن اشاره شده است؟ تمدن اسلامی بر پایه و اساس آموزه‌های قرآن بنا شده است و اثرگذاری گزاره‌های قرآنی و نبوی در فرایند شکل‌گیری و پیشرفت تمدن اسلامی امری انکارناپذیر می‌باشد. با بررسی سوره‌های مذکور به این نتیجه می‌رسیم که در آن‌ها به مؤلفه‌های متعدد پویایی و پیشرفت تمدن اشاره شده است. از مهم‌ترین عوامل شکوفایی تمدن‌ها می‌توان به عوامل دینی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی، اشاره نمود؛ یعنی خردورزی، عقل‌گرایی، علم و عدالت اجتماعی، حقوق متقابل حاکم با مردم و مردم با حاکمیت، دفاع از مرزها، دین و اخلاق و....

کلید واژه‌ها: تمدن، مؤلفه‌های تمدنی، قرآن، بقره، آل عمران، یوسف.

۱. کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، Samadsaadat22@gmail.com.

۲. کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی.

مقدمه

تمدن محصول پذیرش آگاهانه نظم، اخلاق و احترام متقابل به حقوق یکدیگر در یک اجتماع، همراه با گسترش و توسعه پویای علوم در عرصه نظری و عملی، در جهت مصالح و سعادت بشری است. البته این نکته نیز بسیار حائز اهمیت است که فرهنگ یا همان رفتارهای ناشی از باورهای فرد و جامعه که افراد به آن پایبند می‌باشند، همواره به عنوان زیربنای شکل‌گیری تمدن مورد توجه قرار می‌گیرد. مورخان و محققان، آغاز تمدن اسلامی را هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یثرب می‌دانند.^۱ بنابراین پایه‌گذار تمدن اسلامی، پیامبر گرامی اسلام می‌باشد.

ریشه فرهنگ و تمدن اسلامی بر تعالیم، سیره و سنت شخصیتی استوار است که در پایان قرن ششم میلادی به عرصه خاکی پا نهاد.^۲ اسلام تمدنی را به وجود آورد که توحیدمدرای، عدالت‌گری، آزادی‌طلبی، امنیت‌گرایی، دانش‌پروری و... از مؤلفه‌های آن بوده و همین امر باعث جذب قلوب و قبول اسلام از طرف مردم شده است که منجر به گسترش اسلام شده است.

در اهمیت این موضوع باید گفت که حکومت‌ها و نظام‌های اسلامی موجود، یا فاقد فرهنگ و تمدنی با تشخص اسلامی و قرآنی می‌باشند و یا با وابستگی به فرهنگ غربی، درواقع هویت اسلامی خود را ازدست داده‌اند؛ ازاین‌رو لازم است جهت اوج‌گیری مجدد جوامع اسلامی در سایه تمدن اسلامی، شناختی نسبت به مؤلفه‌های تمدن اسلامی، به‌خصوص از منابع اصیل دینی همچون قرآن کریم، جهت عملی شدن پیشرفت تمدن اسلامی و جامعه اسلامی حاصل شود.

مطالعه قرآن کریم این مطلب را روشن می‌سازد که این منبع در جهت برنامه زندگی و نشان دادن راه سعادت و هدایت بشر نازل شده است و هر محقق آزاداندیشی که در زمینه تمدن بشری و نیز راه دستیابی به جامعه ایده‌آل پژوهش می‌نماید را بر آن می‌دارد که این منبع را به‌دقت مورد مطالعه و تحقیق و بررسی قرار دهد تا به اهمیت تمدن اسلامی

۱. علی اکبر ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، ص ۵۲.

۲. محمدرضا کاشفی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۳.

دست یابد، که تمدن اسلامی چیزی جز مجموعه مؤلفه‌های فکری، ارزشی، اعتقادی و هنری برگرفته از آیین و فرهنگ اسلامی که براساس این آیین تجلی یافته، نمی‌باشد. بررسی مؤلفه‌های تمدنی در قرآن با تأکید بر سوره‌های بقره، آل عمران و یوسف می‌باشد که بیشتر از سوره‌های دیگر به مؤلفه‌های تمدن پرداخته‌اند و اکثر مؤلفه‌ها را می‌توان در این سوره‌ها یافت؛ لذا در این اثر به مؤلفه‌های تمدن اسلامی از نگاه این سه سوره پرداخته می‌شود. همواره موضوع تمدن و مؤلفه‌های تمدنی مورد توجه دانشمندان بوده است؛ اما در رابطه با مؤلفه‌های تمدنی در قرآن کریم عنایت کمتری صورت گرفته است. با این وجود می‌توان از کتاب علل انحطاط تمدن‌ها در قرآن کریم تألیف احمدعلی قانع که بیشتر به دلایل هلاکت تمدن‌ها پرداخته است، یا به کتاب فرهنگ و تمدن اسلامی علی اکبر ولایتی که بیشتر به شاخصه علم و هنر در تمدن اشاره نموده است، نام برد. این پژوهش، به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی و تحلیلی نگاشته شده است و نتایج حاصل از این پژوهش برای استفاده نهادهای دولتی و حکومتی ارائه خواهد شد.

تمدن

تمدن از نظر لغوی، واژه‌ای عربی بر وزن تفعّل و از ریشه (م د ن) و مصدر ثلاثی مزید است که به معنای مطاوعه می‌باشد که تأکید مبالغه در سکنی گزیدن را می‌رساند. در لغت نامه دهخدا این واژه به معنای اقامت کردن در شهر، شهرنشینی و مجازاً تربیت و ادب آمده است.^۱ از دیدگاه واژه‌شناسان عرب، واژه مدینه از مدن بالمکان و مدوناً به معنای اقامت است و ظاهراً شهر را از آن رو مدینه می‌نامند که مردم در آن اقامت دارند، اما تمدن به معنای خروج از جهل و ورود به راه ورسم انسانیت و ترقی است.^۲ همچنین در عربی، واژه تمدن معادل واژه «الحضارة» به معنای اقامت در شهر آمده است.^۳

واژه تمدن دارای تحولات گسترده‌ای می‌باشد و تعریف عینی تمدن با دنبال کردن سیر تاریخی واژه تمدن امری امکان‌ناپذیر است؛ به هر حال برای شناخت و تعریف چیهستی تمدن باید بنیادهای نظری این مفهوم مشخص شود.

۱. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ص ۹۴۲.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۷۶۳؛ محمد بن مکرم بن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۴۵۲.

۳. محمد بن مکرم بن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۱۹۷.

ویل دورانت در تعریف تمدن می‌نویسد: «تمدن نه چیزی است که ذاتی انسان است و نه چیزی است که نیستی در آن راه نداشته باشد، بلکه امری است که هر نسلی باید آن را به شکل جدیدی کسب کند.»^۱ او برای تمدن چهار رکن اساسی قائل است:

۱. پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی؛

۲. سازمان سیاسی؛

۳. سنن اخلاقی؛

۴. کوشش در راه معرفت و بسط هنر.^۲

تمدن، رسیدن به مدنیت است و مدنیت شکل خاص و درهم تنیده از مجموعه مناسبات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، هنری و دینی در چارچوب نظام مدیریتی و سیاسی مشخص، همراه با یک نظام ارزشی است. جامعه‌ای که دارای یک نظام فرهنگی و ارزشی استقرار یافته است، به سبب آن معیارهای قومی و بدوی تعیین تکلیف شده، درحقیقت به نقطه تولید و زایش تمدن رسیده است. این جامعه همچنین باید قابلیت توسعه قدرت سیاسی و تولید علم را دارا باشد.^۳

در قرآن کریم برای تمدن لفظی باریشه «م د ن» یا «ح ض ر» که در عربی از آن کلمه «حضارة» (به معنای تمدن) را ساخته‌اند، وجود ندارد، اما کلماتی همچون امت، قرن، قوم، ملت و جامعه ارتباط نزدیکی با این واژه دارند.^۴ از تفاسیر قرآن چنین برمی‌آید که لفظ مدینه درباره مکان‌هایی به کار رفته که دارای حکام و سلاطینی بوده و دارای سیستم اداری، قضایی و سیاسی می‌باشد.^۵ بنابراین می‌توان گفت که تمدن در معنای اصطلاحی همان مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی است که حاصل تلاش و کوشش انسان برای رفع نیازها می‌باشد.

پژوهشگران، دانشمندان و عالمان درمورد تمدن، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها، ویژگی‌ها و مبانی‌ای ذکر کردند که می‌تواند، قومی، ملی یا دینی، یا با قلمرو جغرافیایی یک تمدن مرتبط باشد. در این مبحث به بررسی مؤلفه‌های تمدنی در قرآن با تأکید بر سوره‌های بقره، آل عمران و یوسف پرداخته می‌شود.

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۸.

۲. همان، ص ۱۹.

۳. قراملکی و دیگران، ۱۳۷۹: ص ۱۴۸.

۴. بهرام کاظمی‌اخوان، «راهبردهای اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی و تضمین امنیت فرهنگی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۳، ص ۷۹.

۵. احمدعلی قانع، علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن کریم، ص ۲۵.



دین و توحید (نگرش توحیدی)

مؤلف کتاب المیزان بر این باور است که از زمانی که دین در میان بشر پیدا شد و امت‌های بسیاری خود را متدین به آن دانستند تأثیر دین در جوامع بشری تا عصر حاضر که همان عصر ترقی تمدن بشر است ادامه یافته به گونه‌ای که تاریخ گواه بر این واقع است که تمدن عصر حاضر همه از آثار نبوت و دین است.^۱

توحید نیز به عنوان مهم‌ترین اصل دین، و مفهومی اساسی در بنیان دین اسلام و دیگر ادیان توحیدی، امری است که بی‌شک توجه فراوان بدان در قرآن کریم دور از انتظار نیست. انبوه آیات قرآنی که مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع یگانگی پروردگار اشاره دارند، بیانگر میزان ارزشمندی این مبحث در نگاه قرآنی هستند.^۲

فرهنگ توحیدمداری در شکل‌گیری و گسترش پایه‌های تمدن اسلامی تأثیرگذار است و بنابراین اولین و اصلی‌ترین مؤلفه فرهنگ اسلامی، دین و توحید است. قرآن اساس و محور همه آموزه‌ها، برنامه‌ها و اهداف خود را امری معرفتی و فرهنگی معرفی می‌کند و به سوی آن هدایت می‌کند، همان‌طور که در سوره بقره می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»؛ این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوایپیشگان است.

سوره بقره یکی از سوره‌هایی است که به بحث دین و توحید بیشتر پرداخته است. آیات ابتدایی این سوره یعنی آیات اول تا بیست و نهم سوره بقره بیان می‌کند که سعادت در صراط مستقیم و راه متقیان است، و خسران و ضلالت در راه کفر و شریک قرار دادن برای خداوند یگانه. آیات ابتدایی سوره بقره با بیان صفت متقیان و صفت کافران، به اثبات وحدانیت و نفی شرک می‌پردازد؛ مثلاً در آیه ۲۱ سوره بقره آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ ای مردم! پروردگارتان را که شما و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند آفریده است پرستش کنید! باشد که به تقوا گرایید.

چکیده این دعوت، دعوت انقلابی اسلام را دربرگرفته است. خداوند همه را فرامی‌خواند تا تنها او را اطاعت کنند و مخلصانه پرستند، همان‌گونه که در قرآن

دین و توحید، بنیادی‌ترین مؤلفه فرهنگ اسلامی و زیرساخت تمدن اسلامی هستند و قرآن با محوریت توحید، مسیر سعادت و تقوا را ترسیم می‌کند. توحید مهم‌ترین اصل دین اسلام و ادیان توحیدی است و انبوه آیات توحیدی ارزشمندی آن تأکید دارد. علامه طباطبائی معتقد است دین از آغاز تا عصر حاضر در شکل‌گیری تمدن بشری نقش اساسی داشته و تمدن کنونی وام‌دار آثار نبوت و دین است.

۱۰



آملت و آملت

شماره دوم - پاییز و زمستان ۱۴۰۴

۱. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۲۵.

۲. اسماعیل بن عمر بن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۴، ص ۵۶۵؛ محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۳؛ علی دارقطنی، سنن دارقطنی، ج ۳، ص ۴۴.

کریم ایمان به خدا از قول رسول اکرم ﷺ را در آیه ۶۴ سوره آل عمران این گونه بیان می کند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛ بگو ای اهل کتاب! بیایید بر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد! پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند بگویید شاهد باشید که ما مسلمانییم [نه شما].

این دعوتی است به انقلاب جهانی فراگیری که هیچ گونه پیچیدگی و نارسایی در آن نیست؛ چراکه اسلام با صدای بلند فریاد برمی آورد: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»؛^۱ فرمانروایی از آن خدا است و بس. (اوست که بر کائنات حکومت می کند و عقاید و عبادات را وضع می نماید). خدا دستور داده که جز او را نپرستید. این است دین راست و ثابت (که ادله و براهین عقلی و نقلی بر صدق آن رهبرند).^۲

در سوره یوسف نیز اصل خدامحوری جایگاه ویژه ای دارد، در آنجا که حضرت یوسف به هم زندانی هایش می فرمود: «آیا این الهه دروغین و پراکنده بهتر است یا خداوند واحد قهار؟» و همچنین می فرماید: «ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ»؛^۳ دانشی است که پروردگارم به من آموخته است. من آیین قومی را که به خدا ایمان ندارند، و به سرای دیگر کافرند، ترک کردم. من از آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی می کنم. برای ما شایسته نبود چیزی را همتای خدا قرار دهیم.

براین اساس گرایش به ایمان توحیدی و جهان بینی معطوف به خداوند، موجب آن است که انسان، تلاش هایی به رغم تمایلات طبیعی اش انجام بدهد و در راستای عملی انقلابی و معطوف به توحید، هستی خود را تفسیر نموده و تا مرز تشکیل یک جامعه با تفکر توحیدی پیش رود. جهان بینی توحیدی بر کل شخصیت انسان

۱. سوره یوسف، آیه ۴۰.

۲. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۱۴۴۸.

۳. سوره یوسف، آیات ۳۷-۳۸.

اسلام دعوتی است به
انقلاب جهانی که بر پایه
حاکمیت مطلق خداوند
و نفی هرگونه شرک استوار
است و نمونه آن در سیره
حضرت یوسف است. این
ترسیم شده است و استوار و
دعوت، راست و عقلی و نقلی
مستند به ادله عقلی و نقلی
است.





تأثیر می‌گذارد و سپس آن شخصیت کل جامعه انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نتیجه آن ایجاد و تکوین جامعه و تمدنی الهی است؛ زیرا فکر توحیدی، انسان را در بطن اجتماع وارد می‌سازد.^۱

بنابراین مهم‌ترین مبنای جامعه و تمدن از منظر قرآن کریم، همان توحید است که باید در همه سطوح و ابعاد جامعه اجرا شود و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر مبنای آن شکل گیرد. در تمدن اسلامی نیز مهندسی اجتماعی باید بر محور توسعه پرستش خداوند سبحان مبتنی گردد. دین اسلام خدایان دروغین را کنار می‌راند، در نتیجه نگرش توحیدی ایجاد می‌شود که باعث تمدن‌سازی و شکوفایی تمدن می‌شود. پس با قاطعیت می‌توان گفت که دین اسلام و خدامحور و توحیدمداری یکی از شاخص‌ترین مؤلفه‌های تمدن در قرآن کریم می‌باشد.

اخلاق و معنویت

وقتی ضمیر اخلاقی در مراحل تکامل پیش می‌رود، علت پیدایش ضمیر اجتماعی می‌شود، و به وسیله آن، انسان به خوبی احساس می‌کند که وابسته به جماعتی است و باید آن را دوست بدارد و محترم شمارد. اخلاق عبارت است از همکاری فرد با عموم، و همچنین همکاری و تعاون هر دسته‌ای با دسته و اجتماع بزرگ‌تر؛ به این ترتیب باید گفت که پیدایش مدنیت بدون اخلاق امکان‌پذیر نبوده است.^۲ اخلاق عامل پیونددهنده اجتماع انسانی، عامل بازدارنده خطا و نیز موجب رعایت حقوق دیگران در جامعه است.^۳

دعوت انسان‌ها به فضائل اخلاقی، عمل صالح و مبارزه با فساد، بزرگ‌ترین خدمت ادیان توحیدی و پیامبران به تمدن بوده است. پیامبران الهی به عنوان معلمان جامعه بشری دعوت خود را از مبدأ و معاد که زیربنای همه خوبی‌ها است، آغاز کرده و انسان‌ها را به فضائل اخلاقی بشارت داده و از رذائل بازداشت‌اند.^۴

خداوند متعال در آیات مختلف قرآن کریم مسلمانان را به رعایت آداب و

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۲، ص ۶۹.

۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۷.

۳. فاطمه جان احمدی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۹.

۴. علی اکبر ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ص ۱۸۴.

اخلاق اسلامی دعوت می‌کند و همه را به قرار گرفتن در زیر یک آیین اخلاقی و اعتقادی فرامی‌خواند؛ به عنوان نمونه در آیه ۶۸ سوره آل عمران می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ»؛ درحقیقت نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم همان کسانی هستند که او را پیروی کرده‌اند و [نیز] این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده‌اند و خدا سرور مؤمنان است.

همچنین در آیه ۱۶۴ همین سوره آل عمران می‌فرماید: «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»؛ و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد [چراکه] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

از این رو قرآن یک اصل اساسی را متذکر می‌شود که قرب به خداوند تنها از طریق ایمان و پیروی از سنن اخلاقی و اعتقادی پیامبران میسر است و هدف از بعثت پیامبران نیز مکارم اخلاقی می‌باشد؛ همان‌طور که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۱. در واقع پیامبر اکرم ﷺ هدف از بعثت خویش را تکمیل فضائل اخلاقی بیان کرده است.

اخلاق و آموزه‌های اخلاقی در سوره یوسف را می‌توان در ابعاد فردی، اجتماعی و الهی دسته‌بندی کرد: آموزه‌های فردی مانند صبر، عفت و پاکدامنی؛ آموزه‌های اجتماعی نظیر ادب، احسان، عفو و رازداری؛ و آموزه‌های الهی مانند غفلت، شرک و...

سوره یوسف سراسر درس‌های اخلاقی می‌باشد، به عنوان مثال عفت و پاک‌دامنی از واضح‌ترین درس‌های این سوره است که می‌توان فراگرفت؛ چراکه حضرت یوسف در برابر مکر و نیرنگ زنان مصر ایستادگی نمود و زندان و مشقت را بر انجام فعل حرام و غیراخلاقی ترجیح داد و با این کار خود راه ثابت و استوار را بر همگان نشان داد، همان‌طور که در آیه ۳۳ سوره یوسف بر آن اشاره شده است: «قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ»؛ [یوسف] گفت پروردگارا! زندان برای من دوست داشتنی‌تر از آنچه مرا به آن می‌خوانند است و اگر نیرنگ آنان را از من بازنگردانی به‌سوی آنان خواهم رفت و از [جمله] نادانان خواهم شد.

این جهان، دنیایی است با احساس‌ها و اندیشه‌های پاک که در آن حفظ مقدسات و احترامات تضمین می‌گردد. عیب‌ها و ننگ‌ها دنبال نمی‌گردد و عیب‌جویی و رخنه‌گیری





آزاد نمی باشد. به امنیت مردمان و کرامت و حرمت و حریت ایشان به بهانه کمترین ظن و گمان، تعرض نمی گردد.^۱

در سوره بقره نیز به مصادیق فضائل و رذائل اخلاقی اشاره شده است، از جمله در آیه ۱۴۸ این سوره دعوت به نیکی و خوبی شده است: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا؛ پس در خوبی ها سبقت بگیرید هر کجا که باشید.

کسی که در جهت نیک و خوب قدم بردارد، آن جامعه و تمدن نیز در این مسیر خواهند بود.^۲ آیه ۲۶۳ سوره بقره درباره گفتار نیکو و بخشایش می فرماید: «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ»؛ گفتار نیکو و بخشایش، بهتر از صدقه ای است که آزاری به دنبال داشته، باشد که خداوند بی نیاز و بردبار است.

در این آیه شریفه خداوند متعال قول معروف و آمرزیدن و مغفرت (یعنی چشم پوشی از بدی هایی که مردم به انسان می کنند) را بر صدقه ای که گوشه و کنایه داشته باشد ترجیح داده است. درواقع، مراد از قول معروف این است که وقتی می خواهید سائل را رد کنید با زبانی خوش با او برخورد کنید؛ مثلاً دعایش کنید که «خدا حاجتت را برآورد!». البته این در صورتی است که سائل سخنی که باعث ناراحتی تو باشد نگوید، و اگر لفظی خلاف ادب گفت باید چنان رفتار کرد که او خیال کند سخن زشتش را نشنیده ای و آن دعای خیر و چشم پوشی از سخن زشت او، بهتر از آن است که به او صدقه ای بدهی و به دنبالش آزار برسانی.^۳

به طور کلی در قصص قرآنی و آموزه های دینی، مسئله اصلی مورد تأکید پیامبران در دوران مختلف تاریخ زندگی بشر، برای ایجاد تمدن های دینی، رعایت اصول اخلاقی است. این امر نشان دهنده این است که اولاً زیربنای یک تمدن توحیدی چیزی جز رعایت اخلاق در ارتباطات و برخوردهای اجتماعی نیست؛ ثانیاً برخی از رذائل اخلاقی، مانند فساد اجتماعی، تجمل گرایی، خودکامگی و استبداد، بی رحمی و قساوت قلب، نیازدگی، زور و تزویر، و خودبینی و... به طور مستقیم در فروپاشی تمدن نقش اساسی دارند. در راستای تأیید و اهمیت جایگاه اخلاق در تمدن، سه شاهد معتبر موجود است:

(۱) به گواه تاریخ، یک عامل اصلی در پیشروی تمدن مسلمانان در صدر اسلام، رعایت

۱. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۳۴۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۳۶.

۳. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ۵۹۷.

مسائل اخلاقی ازسوی سفیران و سپاه اسلام در داخل سرزمین های اسلامی و مناطق تازه تصرف شده بود.

۲) یکی از عواملی که موجب شد تمدن مسلمانان طی سالیانی دراز به انحطاط و زوال کشیده شود و شوکت اولیه آن از دست برود، رعایت نشدن مسائل اخلاقی بود. نمونه بارز آن، افول و خاموشی تمدن مسلمانان در اندلس یا اسپانیای امروزی است. ۳) به توافق تمامی کارشناسان عرصه تاریخ تمدن، نبود معنویت و اخلاق می تواند تمدن را به افول بکشاند و به مرور زمان به نابودی کامل برساند؛ چنان که امروزه همین مسئله گریبان گیر تمدن غرب شده است.^۱

از مجموع آیاتی که در این رابطه در قرآن وجود دارد این حقیقت که "سقوط اخلاقی و بحران معنویت، مقدمه سقوط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی و عامل نابودی نظام ها و تمدن ها است" دریافت می شود و این یکی از سنت های حاکم بر جامعه و تاریخ است؛ زیرا یک جامعه و تمدن هنگامی می تواند به حیات سعادت مند خود ادامه دهد و به پویایی و پایداری، رشد و تکامل خود امیدوار باشد که اصول، ارزش ها و اخلاق را در جامعه رعایت نماید.^۲

عقلانیت و خردورزی

تمدن اسلامی براساس عقل پایه ریزی شده نه هوا و هوس؛ زیرا محور اساسی این تمدن تعالی انسان است که وجه تمایز او عقلش می باشد. آیات فراوانی در قرآن مجید انسان را به تفکر و اندیشه دعوت می نماید. این آیات عقل انسان را ترغیب می کند که در آیات الهی بیندیشد تا به شناخت واقعی و درست دست یابد مانند: «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»^۳ یا «أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^۴.

همیشه قرآن کریم به طور مؤکد مردم را به ایمان به خداوند و یادآوری او در همه حالات، اندیشه در اسرار آفرینش و درخواست بخشش از خداوند، عبرت از داستان های قرآنی، اندیشیدن به اسرار طبیعت، حقائق وجود، معارف مبدأ و

عقلانیت و خردورزی،
اساس تمدن اسلامی است
و قرآن با دعوت به تفکر در
آیات الهی و طبیعت، انسان
را به شناخت واقعی و تقوا
رهنمون می سازد.



۱. محمدرضا کاشفی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۶۴.

۲. علی کرمی فریدونی، ظهور و سقوط تمدن ها از دیدگاه قرآن، ج ۶، ص ۴۳۶.

۳. سوره بقره، آیه ۲۱۹.

۴. سوره بقره، آیات ۴۴ و ۷۶؛ سوره آل عمران، آیه ۶۵؛ سوره یوسف، آیه ۱۰۹.

معاد، تذکرپذیری و احکام و... دعوت می‌کند. ازجمله این تأکیدات و تحریکات، استفاده مکرر از واژه «أولوا الألباب» (صاحبان عقل، اندیشه، درک و دارای بینایی جان، درمقابل جاهلان، نادانان و کوردلان در پذیرش حق) می‌باشد مثلاً «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۱ ای خردمندان! شما را در قصاص زندگانی است باشد که به تقوا گرایید.

یاهمچنین آیه «وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ»^۲ هر کار نیکی انجام می‌دهید خدا آن را می‌داند و برای خود توشه بگیرید که درحقیقت بهترین توشه پرهیزگاری است و ای خردمندان از من پروا کنید. صاحبان عقل و خرد ناب براساس برنامه دقیق زندگی که برای خودشان ترسیم کرده‌اند و آینده‌نگرند؛ ازاین‌رو آن‌ها بر اثر رعایت احکام الهی برای خود توشه جمع می‌کنند تا آخرت خود را آباد کنند. خداوند در این آیه «أولوا الألباب» را به رعایت تقوا دعوت می‌کند: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ»^۳ (خدا) به هرکس که بخواهد حکمت می‌بخشد، و به هرکس حکمت داده شود، به یقین خیری فراوان داده شده است، و جز خردمندان، کسی پند نمی‌گیرد.

خداوند در این آیه، از اعطای حکمت به عنوان موهبتی ارزشمند به افراد برگزیده سخن می‌گوید. حکمت، در اصل چیزی است که بدان از جهل و قبح ممانعت بشود. ذکر واژه اولوالالباب بعد از اعطای حکمت نشان دهنده اهمیت واژه است و به‌ویژه اینکه، خداوند درک این موهبت الهی را به اولوالالباب اختصاص داده است.^۴ «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِيَ الْأَلْبَابِ»^۵ یعنی به‌راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است.

در این آیه شریفه به یکی دیگر از ویژگی‌ها و خصایص صاحبان خرد اشاره دارد، و در تبیین آن می‌فرماید که این افراد اهل عبرت و توصیه‌پذیری هستند، و داستان‌های قرآن را به صورت دقیق مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهند و از آن درس عبرت می‌گیرند.

خردمندان (اولوالالباب) سه ویژگی اصلی دارند:
۱. با تقوا و آینده‌نگری، برای آخرت توشه جمع می‌کنند.
۲. خدا به آنان حکمت می‌بخشد که آنان را از جهل بازمی‌دارد.
۳. از داستان‌های قرآن عبرت می‌گیرند و آن‌ها را دقیق می‌کاوند.



۱. سوره بقره، آیه ۱۷۹.

۲. همان، آیه ۱۹۷.

۳. همان، آیه ۲۶۹.

۴. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۰۸.

۵. سوره یوسف، آیه ۱۱۱.

یکی از بیانات قرآن داستان‌های قرآنی هستند. در این آیه اولوا الالباب از بیان داستان‌های قرآن گرفته از ارسال رسولان و برخورد امت‌هایشان با آنان و بدی عاقبت تکذیب کنندگان و سعادت سرانجام تصدیق کنندگان آنان عبرت می‌گیرند.^۱

تفکر و تدبیر اسلامی ابعاد مختلف عبرت‌اندوزی و دانش‌افزایی نهفته است و حرکت فرد و جامعه را تضمین می‌کند؛ بنابراین تفکر در اسلام جایگاهی ارزشمند دارد. یکی دیگر از ویژگی‌های تمدن اسلامی، خردگرا بودن آن است؛ یعنی اینکه پیروان خود را به اندیشه‌ورزی ترغیب می‌کند. اسلام دین تفکر و تعمق است و توصیه فراوان به تفکر و تدبیر در آفاق و انفس دارد. در توسعه و تمدن اسلامی، تمام تصمیم‌های آدمی باید به نحوی در عقلانیت نیز توجیه داشته باشد. بسیاری از آیات و روایات در باب عقل، علم، تفکر و معرفت اشاره به همین سطح از عقلانیت دارند.

کرامت انسانی

انسان و کرامت انسانی (به معنای عزّت و برتری در ذات) از مهم‌ترین مباحث در اسلام و تمدن اسلامی است. خدای متعال در میان موجودات، بالاترین کرامت را به انسان داده و در قرآن، انسان را «خلیفه‌الله» معرفی کرده است. کرامت انسان براساس خدامحوری شکل می‌گیرد و اساسی‌ترین شاخص تمدن نبوی، خدامحوری و اعتقاد به وحدانیت خداوند و توحید در همه ابعاد ذاتی، صفاتی، ربوبی و عبادی است. در هیچ دینی به اندازه اسلام پیرامون مسئله کرامت تأکید نشده است و علت آن به تأثیر شگرف این صفت الهی در رفتارهای فردی و اجتماعی انسان باز می‌گردد.

علامه جعفری می‌نگارد که این کرامت ارزشی از به‌کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌گردد. این کرامت اکتسابی و اختیاری است که ارزش نهایی و عالی انسان‌ها مربوط به همین کرامت است.^۲

آیه ۳۰ سوره بقره به جانشینی خداوند در روی زمین به عنوان یکی از مبانی تکریم انسان اشاره دارد که شامل تمام انسان‌ها می‌باشد: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي

۱. حبیب بن ابراهیم تلفیسی، وجوه قرآن، ج ۱، ص ۵۴.

۲. (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

انسان در اسلام دارای کرامت ذاتی به دلیل جانشینی خداوند است، اما ارزش او به کرامت اکتسابی از طریق توحید، تقوا و تکامل فردی و اجتماعی وابسته است. پایه کرامت انسان بر توحید (در خداخواهی و ربوبیت و صفات، شکل می‌گیرد و عبادت) شکل اصلی تمدن این شاخص اصلی تمدن نبوی است.

جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»؛ و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت.

سوره آل عمران نیز بر این اشاره دارد که انسان امانت دار خداوند است و این دلالت بر کرامت ذاتی دارد و موهبتی است که خداوند به انسان داده و در حد خودش ارزش پیدا کرده است.^۱ همان طور که در آیه ۸۳ همین سوره بدان اشاره شده است: «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طُوعًا وَكَرْهًا»؛ با آنکه هرکه در آسمان ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است. بنابراین داشتن استعداد و پذیرش امانت، یکی از مبانی کرامت و شناخت هویت انسان است که باعث می شود در داشتن تمدنی سالم مؤثر واقع شود. احترام و تکریم در تمدن اسلامی از اهمیت به سزایی برخوردار است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»؛^۲ پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرم خو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند. رحمت خدا است در حق ایشان، که پیغمبر ﷺ را برای آنان مهربان فرموده است. اگر پیامبر درشت خوی و سنگ دل می شد، دل ها گرد او جمع نمی شد، و خردها و اندیشه ها بدو نمی گرایید.^۳

سوره یوسف با صد و یازده آیه که صد آیه آن به داستان حضرت یوسف عليه السلام اختصاص دارد، جایگاه ارزشی انسان و خصوصیات زشت و زیبایش را در قالبی بسیار زیبا و دلنشین بیان می دارد. در این سوره، یوسف به عنوان الگویی از انسان محسن، مخلص، صاحب علم و حکمت ربانی که منشأ بسیاری از ارزش های انسانی و مکارم اخلاقی چون عفت، عفو، گذشت، راستی و صداقت است معرفی می شود و در مقابل آن ها زشتی های اخلاقی مانند حسد، عصبیت، دروغ گویی و... نکوهش می گردد.

مسلم است که تنها محبت، مهربانی، احترام و کرامت می تواند مردم را حول یک دین نگه دارد و در نتیجه تمدن ایجاد کند و سنگدلی و بی رحمی جمع آنان را پراکنده می سازد.

عدالت

از آنجاکه عدالت از اهداف اساسی بعثت پیامبران است، در دین محمدی که خاتم

۱. علامه طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۵۲۶.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

۳. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۵۰۰.

آن‌هاست اجرای عدالت در جامعه بشری هدف اصلی است و در آیات و روایات در سیره عملی رسول اکرم ﷺ و اهل بیت او نیز اجرای عدالت به صورت اصلی بنیادین مطرح گشته و مورد تأکید بسیاری قرار گرفته است.

قرآن کتاب عدل است و انصاف و عدالت و بی طرفی و درواقع داوری منصفانه در تمام برنامه‌های آن به چشم می خورد مثلاً وقتی می خواهد مشروبات الکلی و خمر را تحریم کند قبلاً به منافع (اقتصادی که از راه شراب سازی و امثال آن به دست می آید و یا منافع طبی) آن اشاره می کند و سپس در آیه ۲۱۹ سوره بقره می فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا»؛ ای پیغمبر! از تواز حکم شراب و قمار می پرسند. بگو در این دو کار گناه بزرگی است و سودهایی، ولی زیان گناه آن بیش از منفعت آن است.

همچنین در جایی دیگر با توجه تمام به امتیازاتی که مکتب اسلام دارد یک سره، کتاب‌های آسمانی قبل از خود را نادیده نمی گیرد و می فرماید: «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ»؛ کتاب‌های تورات و انجیل که قبل از من بوده مورد قبول من است و این خود دلیل دیگری از انصاف است.

و خداوند در آیه دیگری می فرماید: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛^۲ پروردگارا در میان آنان فرستاده‌ای از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند زیرا که تو خود شکست ناپذیر حکیمی.

«لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»؛^۳ نه ستم می کنید و نه ستم می بینید، و نیز می فرماید: «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعَالَمِينَ»؛^۴ این‌ها آیات خداست که آن را به حق بر تو می خوانیم و خداوند هیچ ستمی بر جهانیان نمی خواهد.

«ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ»؛^۵ این [عقوبت] به خاطر کار و کردار پیشین شما است، [و گرنه] خداوند هرگز نسبت به بندگان [خود] بیدادگر نیست (و به عدالت رفتار می کند).

۱. سوره آل عمران، آیه ۳.

۲. سوره بقره، آیه ۱۳۹.

۳. همان، آیه ۲۷۹.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۰۸.

۵. همان، آیه ۱۸۲.

قرآن در تمام احکام و نگارش‌های خود، انصاف و عدالت را رعایت کرده و تحریم‌ها را با هم است؛ هم در مضار، هم ذکر منافع و مضار، هم در مواجهه با ادیان پیشین (با تصدیق آن‌ها)، و هم در (با تصدیق آن‌ها) با تأکید بر اینکه نظام جلال‌آبادی از سوی خداوند وجود ندارد.



یکی دیگر از ویژگی‌های جامعه سالم، وجود عدالت اجتماعی حاکم بر همه ارگان‌های آن جامعه است و تا این مسئله در جامعه تحقق پیدا نکند نمی‌توان از آن جامعه به عنوان یک جامعه نمونه یاد کرد. برپایی عدل و داد تنها به وسیله مکتب توحیدی میسر است؛ زیرا در این مکتب خدا دایم‌دار همه امور است و همه افراد بنده او هستند و او حاکم بر همه آن‌هاست و همه عالم متعلق به اویند: «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۱ و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن خداست و خداوند بر هر چیزی تواناست. مالکیت حقیقی از آن اوست و دیگران فقط از مالکیت نسبی برخوردارند، هرکس از هر رنگ و نژاد و قوم و ملتی که باشد در برابر او یکسان است و معیار امتیاز، پرهیزگار بودن است.

«شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»^۲؛ یعنی یکی از راهبردهای مدیریت سیاسی جامعه، نظام مبتنی بر عدل و انصاف است. درواقع سازمان قضایی مبتنی بر عدل و انصاف از ضروریات هر جامعه است. در آیه ۲۶ و ۲۷ سوره یوسف آمده است: «وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قَدْ مِّنْ قَبْلِ فَصَدَقْتَ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قَدْ مِّنْ دُبُرٍ فَكَذَبْتَ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ»؛ و شاهدی از خانواده آن زن شهادت داد اگر پیراهن او از جلو چاک خورده، زن راست گفته و او از دروغ‌گویان است و اگر پیراهن او از پشت دریده شده، زن دروغ گفته و او از راست‌گویان است.

براین اساس راهبرد قرآن کریم درخصوص نظام قضایی دولت، نظام مبتنی بر عدالت است، یعنی نظامی که به حقوق یک شهروند عادی، چه برده و چه آزاد، در مقام دادخواهی عادلانه رسیدگی می‌کند و او به حق خود می‌رسد، هرچند مدعی علیه او یک اشراف‌زاده بااصالت صاحب منصب باشد. بنابراین می‌توان گفت که یکی از مسئولیت‌های اساسی حاکم اسلامی، عدالت‌گستری و بازداشتن از ستمگری است. عدل هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد و هر حقی را به صاحب حق خود، می‌رساند.^۳

۱. همان، آیه ۱۸۹.

۲. همان، آیه ۱۸.

۳. اصغر منتظرالقائم، تمدن‌سازی نبوی و علوی، ص ۲۵۳.

آزادی طلبی و آزاداندیشی

براساس قرآن کریم، حکمت و فلسفه آفرینش انسان، امتحان و آزمایش شدن است، و این زمانی معنا پیدا می‌کند که انسان آزاد باشد تا آن‌گونه که می‌خواهد امتحان پس دهد.^۱

آزادی در تمدن اسلام، قابل قیاس با آزادی موجود در تمدن غرب نیست؛ زیرا آزادی در تمدن اسلامی، عبارت است از رهایی و آزاد شدن از هرگونه قید و بند، و از هر عبودیتی به جز عبودیت خدای سبحان، که بزرگ‌ترین افتخار آدمی می‌باشد، اما آزادی تمدن غرب عبارت است از آزادی از بند دین و خدا، و اسارت و دَرَبند شدن در دامان همه چیز به جز خدا.

خداوند متعال در آیه ۲۵۶ سوره بقره می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»؛ یعنی هیچ اجبار و اکراهی در (قبول) دین نیست؛ چراکه هدایت و کمال از گمراهی و ضلالت مشخص شده است. در این اصل احترام به اراده و افکار و احساسات، نمایان و پیدا است. هدایت و ضلالت عقیده، به انسان واگذار شده و خودش مسئول کردار و رفتار و حساب و کتاب خویش است. این هم برجسته‌ترین ویژگی از ویژگی‌های آزادی انسانی است.^۲

بدون هیچ شک و تردیدی انسان در اسلام حتی در اساسی‌ترین مطلب یعنی تشرف به دین نیز آزاد است. همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آیه ۲۰ سوره آل عمران با اهل کتاب مناظره کرده‌اند و آن‌ها نیز عقاید خود را آزادانه بیان کردند: «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»؛ پس اگر با تو به محاجه برخاستند بگو من خود را تسلیم خدا نموده‌ام و هرکه مرا پیروی کرده [نیز خود را تسلیم خدا نموده است] و به کسانی که اهل کتاب‌اند و به مشرکان بگو آیا اسلام آورده‌اید؟ پس اگر اسلام آوردند قطعاً هدایت یافته‌اند و اگر روی برتافتند فقط رساندن پیام بر عهده توست و خداوند به [امور] بندگان بیناست.

همچنین در آیه ۴۰ سوره یوسف فرموده است: «مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»؛ غیر از خدا، [معبودی]، جز نام‌هایی که شما و پدرانتان آن‌ها را نام گذاری کرده‌اید، نمی‌پرستید [و] خدا هیچ دلیلی برای آن‌ها [فرو نفرستاده

۱. غفار شاهی، مبانی کلامی حکومت دینی، ص ۲۴۰.

۲. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۲۹۱.

است؛ حکم جز برای خدا نیست؛ فرمان داده که جز او را نپرستید. این دین استوار است، و لیکن بیشتر مردم نمی دانند.

پس مراد از آزادی در اسلام، مطلق العنان بودن نیست که شخص هر کاری را که می خواهد انجام دهد. آزادی اراده و عمل براساس خواهش های نفسانی، همانا بی بندوباری و تبهکاری است، نه آزادی انسانی؛ زیرا این گونه تصمیم گیری و عمل کردن گام نهادن در حیطه حیات دیگران یا محدود کردن و به خطر انداختن آزادی افراد دیگر است.

تلاش و مجاهدت

تشویق به کار و تلاش به عنوان عامل مهمی در رشد معنوی و تربیتی و سلامت فکری و معیشتی انسان، موضوعی است که قرآن کریم در آیات متعددی انسان را به آن دعوت و توصیه نموده و به موضوع کار و تلاش و بیان ارزش و اهمیت و آثار و برکاتش وارد شده است. در قرآن کریم از کلمات مترادف و هم معنا با کار و تلاش و مشاغل انبیاء و توصیه ها و تشویق های آنان به کار و تلاش یاد شده است. کار و رشته ای موفقیت آمیز خواهد بود که مطابق با ذوق و استعداد انسان باشد. خداوند انسان ها را در حد توان و ظرفیت آنان مکلف کرده است و می فرماید: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^۱؛ خداوند، هرکسی را به اندازه توانایی او تکلیف نموده است. «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ»^۲؛ آیا پنداشتید که داخل بهشت می شوید بی آنکه خداوند جهادگران و شکیبایان شما را معلوم بدارد؟!

برای ورود به این جنت دو ابزار لازم است: زحمت کشی، (جَدّ و جهد) و همچنین منزوی نبودن. از فعل «جَاهَدُوا» این دو ویژگی معلوم می شود؛ زیرا لازمه جهاد، تلاش و جدّ و جهد است و اینکه در انزوا نمی توان جهاد کرد. وقتی در میدان مقابله با دشمن قرار گرفتید باید همه توان را به میدان آورید، مجاهد در پی مرخصی نیست و در جنگ تمام حواسش به جبهه است. همچنان که مؤمن برای طلب جنت باید جدّ و جهد داشته باشد و تمام تلاشش را به بندگی معطوف کند.

در آموزه های دینی به موضوع تخصص در کار و حرفه، بسیار توجه شده است. در قرآن



۱. سوره بقره، آیه ۲۶۸.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۴۲.

کریم آن‌گاه که یوسف علیه السلام به عزیز مصر می‌گوید: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ»^۱ (یعنی مرا بر خزائن این سرزمین بگمار)، سریعاً از تخصص و آگاهی کافی خویش سخن می‌گوید: «إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»^۲؛ یعنی همانا من نگاهبانی (امین) و کاردانی آگاه به این کار هستم.

تلاش و کوشش در هر تمدن و جامعه امری ضروری است، خواه این تلاش برای ساخت و پیشرفت آن تمدن باشد، خواه برای مقابله با عواملی باشد که مانع پیشرفت تمدن می‌گردد. آیات زیادی از سوره آل عمران به مقابله با تهاجم فرهنگی و جنگ‌های روانی دشمنان اسلام پرداخته است و آیاتی نیز به تلاش و کوشش برای تقویت تقوا و همدلی جامعه اسلامی اشاره نموده است. بنابراین ایجاد، گسترش و دوام تمدنی در تلاش و کوشش مستمر انسان‌ها امکان‌پذیر است. در تمدن اسلامی برای اینکه مؤلفه‌های تمدن به مرحله عمل و اجرا برسد و استمرار خود را داشته باشد، باید تلاش و مجاهدت افراد جامعه در چارچوب اسلام و برای رضای خداوند باشد.

همکاری، وحدت و همگرایی (امت‌سازی)

اتحاد و یکپارچگی یکی از عناصر مهم و اساسی در جریان تمدن‌سازی است و باعث می‌شود تمدن، وجوه و ابعاد گوناگون یافته و در نتیجه به رشد و بالندگی لازم دست یابد و ارزش‌های اخلاقی در جوامع شکوفا شود.^۳

آموزه‌های دینی همچون عدالت، احسان، حلم، پرهیز از فساد، انصاف و غیره نیز انسان‌ها را به سوی وحدت هدایت می‌کنند؛ در نتیجه موجب شکل‌گیری تمدن می‌گردند. قرآن کریم با تعبیر مختلفی از جمله «واعتصموا»، «واصلحوا»، «رابطوا» و «تعاونوا» و... بر وحدت اسلامی و همکاری تأکید می‌کند و برای رسیدن به آن‌ها وحدت و عدم تفرقه را به عنوان راه‌کار ارائه می‌دهد.

قرآن کریم حفظ وحدت و پیشگیری از هرگونه تفرقه را فلسفه تشریع دین و بعثت پیامبران معرفی کرده، و در آیه ۲۱۳ سوره بقره می‌فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً

۱. سوره یوسف، آیه ۵۵.

۲. همان.

۳. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۴۲.

تمدن‌سازی اسلامی بر دو پایه استوار است: ۱. تلاش و مجاهدت مستمر و خداپسندانه برای پیشرفت و مقابله با تهدیدها، و ۲. وحدت و همگرایی امت که با تکیه بر آموزه‌های قرآنی و اعتصام، تعاون و (چون) پیوند و پرهیز از تفرقه شکل می‌گیرد.



فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ؛ «مردم امتی یگانه بودند، سپس خداوند پیامبران را مژده‌رسان و بیم‌دهنده برانگیخت و به همراه آنان، کتاب را به حق نازل کرد تا میان مردم در آنچه که اختلاف داشتند داوری کند.

خداوند در آیه ۲۸۵ سوره بقره نیز می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَأَتْهُ وَكُتِبَهِ وَرُسُلِهِ لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»؛ و مؤمنان همه به خدا و فرشتگان خدا و کتب و پیامبران خدا ایمان آوردند و (گفتند): ما میان هیچ‌یک از پیامبران خدا فرق نگذاریم و همه یک زبان و یک دل فرمان خدا را شنیده و اطاعت کردیم. خدایا ما آمرزش تو را می‌خواهیم و می‌دانیم که بازگشت همه به سوی توست.

اتحاد در کاربردهای قرآنی از چنان جایگاه خاص و ویژه‌ای برخوردار است که از آن به عنوان نعمت خاص یاد می‌شود و خداوند را در ایجاد آن به طور مستقیم دخیل می‌داند. همچنین از مؤمنان می‌خواهد تا با یادآوری دوران تلخ تفرقه و آشوب، در حفظ اتحاد بکوشند؛ زیرا اتحاد میان امت مؤمن به خواست خداوند شکل گرفته است همان‌طور که در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا»؛ و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده، و به راه‌های متفرق نروید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما باهم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. در این آیه مسئله اتحاد و مبارزه با هرگونه تفرقه و یادآوری نعمت الهی که سبب الفت بین آن‌ها شده، ذکر شده است که نوعی فرهنگ‌سازی جهت ایجاد تمدن محسوب می‌شود.

وحدت اسلامی یکی از ضروریات تمدن اسلامی در قرآن کریم است و درواقع فراهم‌کننده قدرت حقیقی است که پس از خداوند متعال، می‌تواند تکیه استواری برای مسلمانان در رویارویی با فرهنگ‌ها و تمدن‌ها باشد و زمینه‌های رشد و ترقی را در تمام جنبه‌های مادی و معنوی فراهم کند.

اتحاد در قرآن، هم یک تکلیف است (چنگ زدن به ریسمان خدا و دوری از تفرقه) و هم یک نعمت که خداوند آن را به مؤمنان عطا کرده است. این اتحاد برخاسته از ایمان بدون تمسک به اصل‌های تفرقه، زیرساخت نجات از اختلاف و عامل هرگونه تفرقه بر آشوب نعمت تفرقه و مبارزه با فرهنگ اتحاد، نوعی استمرار تمدن اسلامی است.



قرآن کریم علاوه بر اینکه اتحاد و برادری را نعمت بزرگی می‌داند، مسلمانان را از انجام کارهایی که احساسات و کینه‌های مخالف و دشمن را برانگیزد نیز منع می‌کند تا همبستگی و برادری جامعه با تفرقه و اختلافات از بین نرود.

مسئولیت همگانی (مانند امر به معروف و نهی از منکر)

برای شکوفا کردن تمدن اسلامی باید به اسلام راستین باز گردیم و ارزش‌های اصیل و حیات بخش و حرکت آفرین را در میان جامعه احیا کنیم. یکی از این ارزش‌ها و مؤلفه‌های تمدن سازی، مسئولیت همگانی است. منظور از مسئولیت همگانی در قانون، نظارت همگانی است. امروزه مسئولیت همگانی در همه ابعاد آن از جایگاه والایی در تمدن اسلامی برخوردار است.^۱

یکی از عوامل بسیار مهم در تضمین سعادت جامعه و جلوگیری از تباهی آن، احساس مسئولیت و تعهد در میان افراد آن جامعه است به گونه‌ای که همگی خود را در مقابل صلاح و فساد جامعه مسئول بدانند و از کنار قضایای بی‌اعتنا عبور نکنند. اگر در جامعه‌ای مردم به طور دسته جمعی نسبت به حسن جریان امور، نظارت و کنترل داشته باشند از ارزش‌های پذیرفته شده خود پاسداری می‌کنند.

آیه ۴۴ سوره بقره بر تشریع امر به معروف و نهی از منکر در آیین اهل کتاب دلالت می‌کند: «اتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»؛ آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید با اینکه شما کتاب (خدا) را می‌خوانید؟! آیا (هیچ) نمی‌اندیشید؟!

این آیه اشاره به این دارد که سخن، هر چند شورانگیز و پرطمطراق باشد، اگر از دلی برنخیزد که بدان ایمان داشته باشد، سرد و بی‌جان خواهد بود و در کسی اثر نمی‌کند؛ یعنی اینکه امر به معروف و نهی از منکر تا زمانی که از زبان کسی که خود آن را باور ندارد جاری شود، تأثیر خود را نخواهد گذاشت.

هر امر کننده و نهی کننده که بخواهد در تعلیم و تربیت اشخاص موفقیتی کسب کند باید خودش به گفته‌ها و دستورات خود عمل کند، آری برای علم بی‌عمل هیچ تأثیری

۱. منصور میراحمدی، «مسئولیت همگانی امر به معروف و نهی از منکر و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله علوم سیاسی، ص ۱۳۳-۱۴۴.





نیست. پس امر به معروف و نهی از منکر باید همراه با عمل خود بر آنچه می‌گوید باشد.^۱ همچنین خداوند در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ (چون) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید.

این آیه دلالت بر خیر بودن امت پیامبر اکرم ﷺ دارد و می‌گوید: شما بهترین امت از مجموع امت‌ها هستید که از همه سرهستید و ارزش شما بیشتر است. این بهتر بودن شما به دو علت است: امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.^۲

برای پذیرش هر مسئولیتی، قطعاً معیارهایی هم وجود دارد که در سوره یوسف به این شکل بیان شده است: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»؛^۳ یوسف گفت: مرا سرپرست خزائن مصر قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم.

یکی از اصول مهم در عرصه کارهای مدیریتی و به‌ویژه مدیریت فرهنگی، اصل مسئولیت‌پذیری و همچنین اصل تخصص و مهارت در انجام کار است که هر دو اصل را می‌توان از این آیه برداشت و تبیین نمود. بنابراین در امر به معروف و نهی از منکر نیز اگر افراد باتجربه و متخصص اختیار را در دست بگیرند می‌توانند در شکوفایی بهتر تمدن کارساز باشند.

نتیجه‌گیری

از مجموع مطالبی که در این پژوهش مورد بررسی و تبیین قرار گرفت این نتایج به دست می‌آید که مؤلفه‌های تمدن در قرآن کریم، مؤلفه‌هایی هستند که بر مبانی و ارزش‌های اسلامی پایه‌ریزی شده‌اند؛ بنابراین هر تمدنی که براساس مؤلفه‌های تمدن مورد نظر قرآن حرکت کند قطعاً در مسیر پیشرفت و ترقی قرار خواهد گرفت و برعکس، همان‌طور که در سوره‌های مذکور آمده است، اگر جامعه یا تمدنی برخلاف مؤلفه‌های قرآنی حرکت کند، بی‌شک به مرور زمان رو به انحطاط خواهد رفت و نتیجه‌اش زوال و نابودی آن جامعه یا تمدن خواهد بود.

۱. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۶۹.

۲. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۴۴۷؛ سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۹۰.

۳. سوره یوسف، آیه ۵۵.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، **البدایة و النهایة**، محقق: علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۸ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
- تفلیسی، حبیب بن ابراهیم، **وجوه قرآن**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ ش.
- جان احمدی، فاطمه، **تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸ ش.
- دارقطنی، علی، **سنن دار قطنی**، به کوشش عبدالله هاشم یمانی، بیروت، بی نا، ۱۳۸۶ ق.
- دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، دمشق، دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۵ ق.
- سید قطب، ابراهیم حسین، **فی ظلال القرآن**، قاهره، دارالشروق، ۱۴۱۲ ق.
- شاهی، غفار، **مبانی کلامی حکومت دینی**، قم، دفتر انتشار معارف، ۱۳۹۰ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه، ۱۴۱۷ ق.
- طوسی، محمدبن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۷ ق.
- قانع، احمد علی، **علل انحطاط تمدن ها از دیدگاه قرآن کریم**، تهران، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۷۹ ش.
- کاشفی، محمدرضا، **تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**، قم، جامعه المصطفی العالمیة، ۱۳۸۷ ش.
- کاظمی اخوان، بهرام، «راهبردهای اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی و تضمین امنیت فرهنگی»، فصلنامه **مطالعات راهبردی**، ش ۳، ۱۳۸۷ ش.
- کرمی فریدونی، علی، **ظهور و سقوط تمدن ها از دیدگاه قرآن**، قم، ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۹۳ ش.
- مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار شهید مطهری**، تهران، صدرا، ۱۳۸۴ ش.
- منتظرالقائم، اصغر، **تمدن سازی نبوی و علوی**، اصفهان، مرغ سلیمان، ۱۳۹۱ ش.
- میراحمدی، منصور، مسئولیت همگانی امر به معروف و نهی از منکر و قانون اساسی ج.ا.ا، **مجله علوم سیاسی**، ش ۵۲، زمستان ۱۳۸۹.
- ولایتی، علی اکبر، **پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران**، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴ ش.
- ویل دورانت، **تاریخ تمدن**، مترجم: احمد آرام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵ ش.

